

دوفصلنامه‌ی پژوهش‌های قرآنی در ادبیات، دانشگاه لرستان

سال دوم، شماره‌ی دوم، پیاپی چهارم، پائیز و زمستان ۱۳۹۴

صفحات ۵۳-۷۴

بررسی نقش‌های معنایی-کاربردشناختی گزاره‌های امری در سوره‌ی عنکبوت

عبدالباسط عرب یوسف‌آبادی^۱

صدیقه بزرگ‌نیا^۲

چکیده

مطالعه‌ی معنا و انتقال آن از طریق زبان که در اشکال متفاوت عاطفی، خبری، پرسشی و امری نمود پیدا می‌کند در شاخه‌های گوناگون کاربردشناختی بررسی می‌شود. از منظر کاربردشناسی یک جمله می‌تواند در بسترها و بافت‌های مختلف نقش‌های متفاوتی داشته باشد که آن نقش‌های مرسوم‌تر، معنای اولیه هستند و نقش‌های دیگر، معانی ثانویه. بر این اساس گزاره‌های امری نیز می‌توانند همچنین نقش‌های متفاوتی را ایفا کنند. از آن‌جا که قرآن کریم برای افزونی قدرت تأثیر و القای معانی به مخاطب، تجلی‌گاه نقش‌های معنایی-کاربردشناختی گزاره‌های امری است؛ پژوهش حاضر در تلاش است تا با تحلیل کارکردهای زبانی گزاره‌های امری سوره‌ی عنکبوت، به بررسی توانش ارتباطی این سوره و میزان تأثیرگذاری آن در مخاطب بپردازد. به این منظور با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، ویژگی‌های متن‌محور و کاربرمحور آیات در کنار عناصر زنجیره‌ای و زبرزنجیره‌ای مؤثر در معنای گزاره‌های امری این سوره مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که گزاره‌های امری سوره‌ی عنکبوت به ترتیب در نقش‌های منظوری ارشاد، هشدار، دوام، تهدید، تعجیز و اهانت به کار رفته، و باتوجه به این که بیشتر این گزاره‌ها خطاب به اهل باطل است؛ لذا چنین برداشت می‌شود که منطبق دینی ابتدا بر ارشاد و راهنمایی استوار است و در صورت مخالفت گمراهان، نخست به آنان هشدار داده می‌شود و اگر بر سرکشی خود افزودند، آن‌ها را ضعیف و ناتوان شمرده و به عذاب خداوند وعده می‌دهد. این نوع ارتباط قرآن با مخاطب، دلیلی قاطع بر اعجاز زبانی آن است.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، سوره‌ی عنکبوت، نقش‌های معنایی-کاربردی، گزاره‌ی امری

arabighalam@uoz.ac.ir

^۱- استادیار دانشگاه زابل

^۲- دکترای زبان و ادبیات عربی

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۸/۲۸

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۰۴

۱- مقدمه

قرآن حقیقتی است که از طریق وحی بر پیامبر نازل شد و بلاغت و مزایای لفظی و معنوی آن، مخاطبان هشیار را مجذوب خود ساخت و موجب شد تا پس از گذشت ۱۴۰۰ سال از نزول آن، باز هم کسی توان تحدی و مقابله با کلام خدا را نداشته باشد. تأمل در آیات قرآن و درک نکات ظریف بلاغی آن، راز زیبایی آیه‌های الهی را برای انسان نمایان می‌سازد. «اسلوب قرآن همان شکل و صورت سخن است که در معنایی باشکوه و کلامی پرفروغ نمایان می‌شود و واقعیت‌ها را به زیبایی به تصویر می‌کشد» (ابوزهره، ۱۳۷۰: ۱۵۲). از ویژگی‌های علم بلاغت علاوه بر شیوایی و رسایی کلام، قدرت تأثیرگذاری و برانگیختن عواطف انسانی است. ذکر بسیاری از حقایق و نکات آموزنده قرآن، آن هم در قالبی بدیع و زیبا میزان تأثیرگذاری مفاهیم آن را دو چندان می‌سازد. این موضوع در میزان فراوان شاهد‌های قرآنی موجود در کتاب‌های ادبی و بلاغی قابل مشاهده است، «بسیاری از صاحب‌نظران علم بلاغت برای اثبات نظریه‌های خود به نکات بلاغی نهفته در باطن آیه‌های قرآن اشاره کرده‌اند و معتقدند که این نکات در تک‌تک سوره‌های قرآن مشهود است» (زبدان، ۱۸۸۶: ۲۳). اسلوب‌های قرآن از نظر دقت و بیان دارای اقسام گوناگون است که از مهم‌ترین مسائلی که می‌توان آن را بخشی از اعجاز بلاغی کلام وحی شمرد، نقش‌های معنایی-کاربردشناختی اسلوب‌های انشایی است.

در غالب زبان‌ها جمله را به چهار نوع خبری، پرسشی، امری و تعجبی تقسیم می‌کنند که هر یک کارکرد خاص خود را دارد؛ اما «در کاربرد روزانه زبان، چه در گفتار و چه در نوشتار ممکن است صورت دستوری جمله با نقش معنایی و منظوری آن مطابقت نداشته باشد» (رحیمیان، ۱۳۸۱: ۱۷) مثل این که جمله پرسشی را برای بیان امر و فرمان به کار ببریم یا از جمله امری برای بیان معنای توبیخ یا نهی استفاده کنیم. «دستور زبان، متولی بررسی مقوله‌های اصلی یا معنی اصلی جمله است و دانش معانی، متولی بررسی مقوله‌های معنایی و منظوری جمله یا معانی ثانوی جملات است» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۴-۲۶). در تعریف علم معانی آورده‌اند که «علم به اصول و قواعدی است که به یاری آن کیفیت مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام شناخته می‌شود» (علوی‌مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۹). لازم به ذکر است که «در شناخت و کشف معنا،

علاوه بر عوامل زبانی و زنجیره‌ای گفتار، مولفه‌های زبرزنجیری و فرازبانی نیز تعیین‌کننده‌اند» (پالمر، ۱۳۸۵: ۶۲).

در قرآن کریم برای افزونی قدرت تأثیر و القای معانی به مخاطب، از شگردهای انشایی متعددی استفاده شده است که بیان‌گزاره به صورت امری و افاده اغراض ثانوی آن، از تأثیرگذارترین انواع این ترفندهای هنری به شمار می‌رود، به طوری که با تحلیل نقش‌های معنایی این گزاره‌ها می‌توان به‌کُنه آیات دست یافت. یکی از سوره‌هایی که اسلوب امر در آن در اغراض ثانوی به کار رفته است، سوره عنکبوت است. پژوهش حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی بر آن است تا به بررسی توانش ارتباطی این سوره و میزان تأثیرگذاری آن در مخاطب بپردازد و از این طریق جنبه‌های متعدد معنایی-منظوری گزاره‌های امری را در این سوره بررسی و میزان بهره‌گیری از مقوله امر برای بیان مقوله‌های گوناگون معنایی-منظوری را تبیین نماید. به این منظور ویژگی‌های متن‌محور (انسجام و پیوستگی معنایی) و کاربرمحور متن (هدفمند بودن، پذیرفتنی بودن، حاوی اطلاعات بودن و ویژگی‌های موقعیتی) در کنار همه عناصر زنجیره‌ای و زبرزنجیره‌ای مؤثر در معانی گزاره‌های امری سوره عنکبوت مدنظر قرار گرفته است. در ضمن برای نمایش انتخاب هدفمند گزاره‌های امری جهت اقتناع هنری مخاطب، تعداد هر یک از گزاره‌ها با تجزیه و تحلیل کامل نشان داده شده است. مهم‌ترین سؤالاتی که در این پژوهش مطرح می‌شود عبارتند از:

۱. مهم‌ترین معانی امر مجازی در سوره عنکبوت کدام است؟

۲. هدف از کارکردهای معنایی امر در این سوره چیست؟

۳. بسامد مقوله معنایی-منظوری خاص در سوره عنکبوت بیانگر چه چیزی است؟

نتایج حاکی از آن است که گزاره‌های امری سوره عنکبوت به ترتیب در نقش‌های منظوری ارشاد، هشدار، دوام، تهدید، تعجیز و اهانت به کار رفته است. از آن‌جا که بیشتر مخاطبین گزاره‌های امری این سوره، مخالفین و اهل باطل می‌باشد؛ لذا منطق اهل حق چنین حکم می‌کند که نخست اهل باطل را نصیحت و راهنمایی کرده و اگر به مخالفت خود ادامه دادند آن‌ها را از خشم و غضب خداوند بیم داد و اگر بر عناد و سرکشی خود

اصرار داشته، ایشان را ضعیف و ناچیز شمرده و آن‌ها را به عذاب خداوند وعده داد. اگر بپذیریم که زبان قرآن بیش از آن‌چه آشکار می‌کند، پنهان می‌سازد و این آشکار و پنهان کردن‌ها هدفمند است؛ با این تجزیه و تحلیل‌ها می‌توان به درک بیشتر و عمیق‌تری از آیات سوره عنکبوت دست یافت؛ به ویژه وقتی صاحب این آیات با همه ترفندهای زبانی آشنا بوده و از زبان با بالاترین ظرفیت ممکن آن بهره گرفته است.

۱-۱. پیشینه تحقیق

نگاه زبان‌شناختی به ادبیات و بحث از اغراض ثانوی جملات، سابقه کهن دارد و از دوران نهضت ترجمه به عربی، می‌توان آثاری از آن را یافت. از جمله پژوهشگران پیشین می‌توان به شمس قیس رازی، زمخشری، تفتازانی و دیگر بلاغیون اشاره کرد. در روزگار جدید، نقد زبان‌شناختی ادبیات به‌ویژه با نظرات یاکوبسن جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. در غرب پژوهش‌هایی از منظر کاربردشناسی متون و نقش‌های معنایی-منظوری آن صورت گرفته است که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: توماس (۱۹۹۵م) در کتاب «Meaning in interaction»؛ آستین (۱۹۶۲م) در کتاب «How to do thing with words»؛ لیچ (۱۹۸۳م) در کتاب «Principles of pragmatics»؛ لوینسون (۱۹۸۳م) در کتاب «Pragmatics, Cambridge».

در زبان عربی: الزجاج (۱۹۹۸م) در کتاب «معانی القرآن و إعرابه»؛ الحسینی (۱۴۱۳ق) در کتاب «أسالیب البیان فی القرآن»؛ المطعنی (۱۴۲۰ق) در کتاب «التفسیر البلاغی للإستفهام فی القرآن الحکیم».

در زبان فارسی: رحیمیان (۱۳۷۸ش) در پایان‌نامه خود «نقش‌های معنایی-منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ»؛ یارمحمدی (۱۳۷۷ش) در مقاله «مقابله منظورشناختی در زبان‌های انگلیسی و فارسی؛ با عنایت به چارچوب‌های فکری یا راهبردهای تلویحی فرهنگی»؛ یارمحمدی (۱۳۸۱ش) در کتاب «چه فکر می‌کنیم، چه می‌گوییم و چه می‌فهمیم»؛ صفوی (۱۳۹۰ش) در کتاب «درآمدی بر معناشناسی»؛ صفوی (۱۳۸۶ش) در کتاب «آشنایی با معناشناسی»؛ پالمر (۱۳۸۵ش) در کتاب «نگاهی تازه به معناشناسی»؛ پاک‌روان (۱۳۸۳ش) در مقاله «تحلیل منظورشناختی

محوارة فارسی»، طباطبایی (۱۳۸۳ش) در مقاله «عوامل مؤثر در معانی بلاغی استفهام و بلاغت اسالیب استفهام در آیات قرآن»، فاضلی (۱۳۸۲ش) «شیوه‌های بیان در قرآن کریم»، پیشوایی (۱۳۹۳ش) در مقاله «تحلیل گزاره‌های پرسشی در سورة مؤمنون بر اساس نظریة کنش کلامی».

با مشاهدۀ تمامی این آثار این نکته مشخص می‌شود که در این پژوهش‌ها کمتر به تحلیل کاربردشناختی قرآن پرداخته شده است، و آن دسته از پژوهش‌هایی که به کاربردشناختی آیات قرآن پرداخته‌اند، جامعه آماری متفاوت با جامعه آماری پژوهش پیش‌رو دارند؛ لذا پژوهش حاضر از این جهت نو و بدیع می‌باشد.

۲- بحث و بررسی

۲-۱. معناشناسی و نقش‌های معنایی-منظوری

بلاغت در لغت به معنای وصول و انتهاست (ابن‌الثیر، ۱۹۳۹: ۶۹/۱) و در اصطلاح عبارت است از روشنی معنا و زیبایی لفظ (العسکری، ۱۹۵۲: ۱۲). سخن بلیغ از نگاه تفتازانی به سخنی گفته می‌شود که افزون بر فصاحت، به مقتضای حال گفته شده باشد (التفتازانی، ۱۴۱۲: ۲۰). یکی از شاخه‌های علم بلاغت، معناشناسی یا علم معانی است که عبارت است از «علم به اصول و قواعدی که به یاری آن کیفیت مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام شناخته می‌شود» (علوی‌مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۸۱: ۲۹). موضوع علم معانی «افادۀ معانی ثانوی است که متلکم بلیغ، از کلام مطابق با مقتضای حال اراده می‌کند» (رجائی، ۱۳۷۹: ۲۱). این دانش ارتباط زیادی با نظریه‌های نقد نوین ادبی به‌ویژه نقد زبان‌شناختی (Linguistic criticism) و شاخه‌های مختلف آن نظیر نقد صورت‌گرا (Formalism)، ساختارگرا (Structuralism) و در نهایت دانش سبک‌شناسی زبان‌شناختی (Linguistic stylistic) دارد. تا پیش از دورۀ معاصر، زبان تنها ابزاری بوده که نویسنده آن را برای رسیدن به مقاصد خاص خود و ایجاد تأثیرات موردنظر خود به کار می‌گرفت؛ اما در دوران معاصر شاهد تغییرات بنیادین در نگرش منتقدان ادبی به زبان و ارتباط آن با ادبیات هستیم (فرشیدور، ۱۳۸۴: ۱۲). با انتشار مجموعه مقالات فردیناد دو سوسور، زبان‌شناس سوئیسی، تحت عنوان

«درس‌هایی در زبان‌شناسی همگانی» در زمینه دانش زبان‌شناسی و بررسی و توصیف زبان، انقلابی عظیم صورت گرفت و از آن پس زبان به شیوه‌ای علمی مورد بررسی و توجه قرار گرفت (الزیدی، ۱۹۸۷: ۲۸). گروهی از زبان‌شناسان، نظریه‌پردازان و ناقدان معاصر ادبیات، بسیار تحت‌تأثیر این تعبیر نوین از زبان قرار گرفتند که بسیاری از دیدگاه‌های آن‌ها مشابه مواردی است که در علم معانی با آن سروکار داریم.

علم معانی و دانش زبان‌شناسی و به تبع آن نقد نوین ادبی علاوه بر منشأ و تاریخچه مشترک، در بسیاری از زمینه‌ها و مباحث دیگر نیز دارای اشتراک و مشابهت‌های فراوانی‌اند. به بیانی دیگر از آن‌جا که علم معانی با دیدگاه‌های بلاغی-دستوری به آثار ادبی می‌نگرد چنین رفتاری این علم را به دانش زبان‌شناسی به‌خصوص نقد زبان‌شناختی مرتبط می‌سازد. وجود مباحثی نظیر فصاحت کلام، عیوب مخلّ فصاحت، اغراض ثانوی کلام، بررسی بافت و ساخت جمله و کلام در علم معانی، شباهت و ارتباط بسیار زیاد این علم را با سه شاخه اصلی زبان‌شناسی و نیز نقد نوین ادبی آشکار می‌سازد (أبو‌العدوس، ۱۴۲۷: ۵۸). به عنوان مثال بحث معانی و کاربردهای ثانوی جمله در علم معانی با شاخه معناشناسی در دانش زبان‌شناسی مرتبط است، نحو و ساختارهای نحوی جمله با شاخه نحو ارتباط دارد، و همچنین از آن‌جا که علم معانی به بررسی کلام می‌پردازد می‌توان آن را با مبحث تحلیل گفتمان (Discourse Analysis) و علم کاربردشناسی یا نقش‌های معنایی-منظوری (Pragmatic) در نقد جدید ادبی مقایسه کرد.

از آن‌جا که پژوهش حاضر بر پایه مؤلفه‌های کاربردشناسی مورد تحلیل قرار می‌گیرد؛ لذا لازم است درباره این شاخه از زبان‌شناسی نیز سخن به میان آید. در کاربردشناسی نظر این است که یک جمله می‌تواند در بسترها و بافت‌های مختلف نقش‌های متفاوتی داشته باشد که به نقش‌های معنایی-منظوری شناخته می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۷۷: ۱۴۸). به روش معمول، یکی از این نقش‌ها مرسوم‌تر است و بسامد بیشتری دارد و به قول علمای علم معانی، معنای اولیه محسوب می‌شود و نقش‌های دیگر، معانی ثانویه (الهاشمی، ۱۴۲۵: ۵۲). سه نوع کلام خبری، پرسشی و امری از اشتراکات زبان‌های بشری محسوب می‌شوند و در تمام زبان‌های دنیا حداقل دو یا سه نوع از این جملات

یافت می‌شود (۳: ۱۹۹۰، Layouns). در همسان‌سازی مقوله‌های دستوری و معنایی-منظوری، گوینده با بنیادی‌ترین شکل استفاده از جمله‌های زبان سروکار دارد. گوینده برای دادن خبر، کسب اطلاع و صدور فرمان به ترتیب از جمله‌های خبری، پرسشی و امری استفاده می‌کند؛ به سه جمله زیر نگاه کنید: ۱. آن کودک بسیار گرسنه است (خبری). ۲. آیا به آن کودک غذا دادی؟ (پرسشی) ۳. به آن کودک غذا بده (امری)

همان‌طور که مشاهده می‌شود در این جمله‌ها، مقوله‌های دستوری با مقوله‌های معنایی-کاربردشناختی آن همسان شده‌اند. اما گاه پیش می‌آید که در استفاده روزمره از زبان شاهد چنین همسانی میان مقوله‌های دستوری با مقوله‌های معنایی-منظوری نیستیم، به طوری که مثلاً شخصی برای امر کردن به فردی دیگر از جمله خبری یا پرسشی استفاده می‌کند. به جمله‌های زیر نگاه کنید: ۴. علی، تو به آن کودک غذا می‌دهی و او را می‌خوابانی. ۵. علی، به آن کودک غذا می‌دهی؟

در این جملات، مقوله‌های دستوری از غرض اصلی خود عدول کرده و در اغراض دیگری به کار رفته‌اند. بنابراین می‌توان گفت که جملات ۱ و ۲ و ۳ نمونه عینی معانی اولیه جملات و جملات ۴ و ۵ نمونه عینی معانی ثانویه جملات می‌باشند.

آن‌چه در این بخش مورد بررسی و تدقیق قرار می‌گیرد نقش‌های معنایی-کاربردشناختی گزاره‌های امری سوره عنکبوت است. شمار این نقش‌ها در گزاره‌های امری به ۲۴ مورد می‌رسد که با غور در آیات این سوره می‌توان مصادیق این نقش‌ها را کشف و تبیین نمود.

۲-۲. خلاصه‌ای از سوره عنکبوت

این سوره ۶۹ آیه دارد و مشهور در میان مفسران این است که تمام آن در مکه نازل شده است (مدرسی، ۱۳۷۷: ۳۷۶/۹). نام‌گذاری این سوره به عنکبوت از آیه ۴۱ آن گرفته شده است (مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا). خداوند در این آیه بت‌پرستان را که تکیه بر غیر خدا می‌کنند، تشبیه به عنکبوت می‌کند که تکیه‌گاهش، تارهای سست و بی‌بنیاد است. این سوره مبارکه قبل از هجرت پیامبر اسلام (ص) در اواخر زندگی مسلمانان در مکه معظمه نازل شد (مکارم شیرازی،

۱۳۷۴: ۱۶/۱۹۸). آن زمان برای مؤمنان از زمان‌های سخت و مشکل به شمار می‌رفت؛ لذا این سوره مؤمنان و مسلمانان را به تثبیت ایمان و ادار می‌کرد (آیات ۵۶-۵۹). به طور کلی مطالب سوره عنکبوت به چهار قسمت تقسیم می‌شود:

۱- این سوره درباره حقیقت ایمان، موضوع سنت امتحان و آزمایش الهی و وضع منافقان گفت‌وگو می‌کند (آیات ۱-۱۴). ۲- بخشی از مطالب آن حاوی داستان‌های نوح، ابراهیم، لوط و شعیب (ع) و داستان قبیله عاد و ثمود است (آیات ۱۵-۴۰). این سوره با بیان این داستان‌ها به ما می‌آموزد که پیامبران بزرگ چگونه با مفسدان و تبهکاران امت‌های خویش به مبارزه و جهاد برخاستند، و خدا تبهکاران را هلاک کرد و بندگان مخلصش به پیروزی رسیدند (نجفی خمینی، ۱۳۹۸: ۱۵/۲۲۸). ۳- در بخش سوم از توحید، نشانه‌های خدا در عالم آفرینش و مبارزه با شرک سخن می‌گوید (آیات ۴۱-۵۵). ۴- و در آخر مباحث متنوعی پیرامون ناتوانی معبودهای ساختگی و عبادان عنکبوت‌صفت آن‌ها و همچنین عظمت قرآن و دلایل حقانیت پیامبر اسلام (ص) و لجاجت مخالفان مطرح می‌شود (آیات ۵۶-۶۹).

۲-۳. نقش‌های معنایی-کاربردشناختی گزاره‌های امری

جمله به عنوان کوچک‌ترین واحد معنی‌دار زبان، در حوزه علم معانی به دو دسته خبری و انشایی تقسیم می‌شود. جمله‌های انشایی دارای انواع چندگانه‌ای است که هر یک قابلیت‌های ویژه‌ای را در خود نهفته دارد و استفاده از آن گستردگی خاصی به زبان می‌بخشد. گزاره امری با کارکردهای بلاغی دستور دادن و فرمان صادر کردن (خانلری، ۱۳۸۰: ۱۲)، یکی از اقسام انشا به شمار می‌آید. در تعریف امر گفته‌اند که «فرمان به انجام کار یا طلب حصول فعل از مخاطب است از موضعی بالاتر» (السکاکي، ۱۴۰۷: ۱۳۷). همچنین امر را به «استدعای فعل به جهت استعلاء» تعریف کرده‌اند (العلوی، ۱۴۱۸: ۳/۲۸۱). اما گاهی انگیزه اصلی گوینده از کاربرد امر، چیزی جز دستور دادن است که در این صورت امر از معنای اصلی خود خارج شده و در معنای ثانوی که جنبه بلاغی دارد و موجب تأثیر افزون کلام می‌گردد، به کار رفته است. در حقیقت «علت به‌کاربردن جملات در معانی ثانوی این است که شاعر یا نویسنده می‌خواهد باتوجه به

مقتضای حال مخاطب یا خواننده، سخن بلیغ و مؤثر بگوید و یکی از مهم‌ترین ابزار تأثیر به‌کار بردن جملات به‌طور غیرمستقیم در معنای ثانوی است. گوینده معنا را مورد غرض خود برمی‌گزیند و این غرض اوست که معنایی خاص یا کاربردی خاص را به میان می‌کشد» (شمیسا، ۱۳۸۳: ۱۱۸). علمای بلاغت، معنای کاربردی فراوانی برای گزاره‌های امری برشمرده‌اند که عبارتند از: دعا، ارشاد، تعجیز، تمنی، دوام، تعجب، اکرام، تهدید، التماس و غیره (الهاشمی، ۱۴۲۵: ۷۹-۸۰).

در سوره عنکبوت که شامل ۶۹ آیه است، ۲۴ گزاره امری به‌کار رفته است که ۶ گزاره در معنای حقیقی^۱ و ۱۹ گزاره دیگر در معنای ثانوی به‌کار رفته است. همه این گزاره‌ها از شاکله‌های مهم در کنشگری گزاره‌های زبانی این سوره است و نقش مهمی در بلاغت و تأثیر کنشی و بیرونی گزاره‌های زبانی آن دارند. سازوکارهای کنشی این گزاره‌ها که تمامی آن‌ها برای انتقال تفکر، پیام و عواطف به‌جای جملات خبری و تعجبی به‌کار رفته‌اند، بر اساس رهیافت‌های نظریه کاربردشناسی قابل تبیین است. در این‌جا تحلیل هر گزاره و شیوه ارائه آن شامل چهار قسمت خواهد بود: مقوله‌های معنایی-کاربردشناختی، آیه موردنظر، گزاره‌های امری موجود در هر آیه و در نهایت، توضیح مربوط به هر کارکرد، که این توضیحات از طریق اطلاعات فرامتنی، تاریخی و اجتماعی راجع به هر آیه قابل حصول می‌گردد.

۱-۳-۲. ارشاد

ارشاد به معنی راهنمایی و هدایت کردن است و در کتاب‌های لغوی از آن به راهنمایی‌ای که از روی لطف و خیرخواهی صورت پذیرد یاد شده است (قرشی، ۱۳۵۲: ۱۴۵/۷؛ الطریحی، ۱۳۶۷: ۴/۱۴؛ ابن‌زکریا، ۱۴۰۴: ۶/۴۲). در اصطلاح عبارت است از «دلالت به سوی حق و ارایه طریق و ارشاد به سوی حقیقت» (الزمخشری، ۲۰۰۱: ۱۵۴۰/۲). در قرآن، ارشاد در مورد انسان‌ها به دو مفهوم به‌کار رفته است؛ ارشاد عامه که به معنای نشان دادن راه خیر و سعادت در پیمودن مسیر زندگی انسان است و شامل

^۱ از آن‌جا که معنای حقیقی گزاره‌های امری واضح است؛ لذا آیاتی که در آن این گزاره‌ها به‌کار رفته است تحلیل نمی‌گردد.

همة انسان‌ها می‌شود، چه مؤمن و چه کافر؛ ولی ارشاد خاصه مختص مؤمنان است و تأمین کننده راه کمال و سعادت اخروی آن‌هاست (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۶/۱).

از حدود ۲۵ گزاره امری سوره عنکبوت، ۵ گزاره امری در معنای ارشاد به کار رفته است که نخستین آن در آیه ۱۶ آمده است: «وَابْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اغْبُدُوا لِلَّهِ تَقْوَهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۶)» «و [یاد کن] ابراهیم را چون به قوم خویش گفت خدا را بپرستید و از او پروا بدارید اگر بدانید این [کار] برای شما بهتر است». خداوند در آیات پیش از این، بخش‌هایی از آزمایش‌های سخت انبیاء و اقوام پیشین را منعکس می‌کند که چگونه تحت فشار و آزار دشمنان قرار گرفتند و چگونه صبر کردند و سرانجام پیروزی نصیبشان شد، تا هم دلدارى باشد برای یاران پیامبر اسلام (ص) که در آن روز سخت در فشار دشمنان نیرومند در مکه بودند، و هم تهدیدی باشد برای دشمنان که مراقب پایان دردناک عمرشان باشد. در این آیه از ابراهیم (ع) سخن می‌گوید که برای دعوت و ارشاد قوم خود فرستاده شده بود. خداوند از زبان حضرت ابراهیم خطاب به قوم وی دو فعل امر را به کار می‌برد و در ورای این نوع امر، دو برنامه مهم اعتقادی و عملی انبیاء را که دعوت به توحید و تقوا بوده است یکجا بیان کرده و در پایان می‌گوید: اگر شما درست بیندیشید پیروی از توحید و تقوا برای شما بهتر است که دنیایتان را از آلودگی‌های شرک و گناه و بدبختی نجات می‌دهد، و آخرت شما نیز سعادت جاویدان است. سپس ابراهیم (ع) به دلائل بطلان بت پرستی می‌پردازد و با چند تعبیر مختلف که هر کدام متضمن دلیلی است، آیین آن‌ها را شدیداً محکوم می‌کند. با توضیحاتی که داده شد به خوبی مشخص می‌گردد که غرض از دو فعل امر «عبدوا» و «تقوا» توسط ابراهیم، ارشاد و راهنمایی قوم خود است، نکته‌ای که اکثر مفسرین بدان اذعان می‌کنند (الرازی، ۱۴۲۱: ۳۹/۲۵؛ سید قطب، ۱۹۸۰: ۲۸۲۷/۵).

نمونه دیگر گزاره امری که بر معنای ارشاد دلالت دارد آیه ۲۰ سوره عنکبوت است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰)» «بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است، سپس [باز] خداست که نشأت آخرت را پدید می‌آورد خداست که بر هر چیزی تواناست». خداوند در این آیه به سیر آفاقی در مسأله معاد دعوت می‌کند و امکان معاد

را از طریق وسعت قدرت خداوند اثبات می‌کند و به مطالعه حالات اقوام و موجودات دیگر دستور می‌دهد تا حیات نخستین را در چهره‌های مختلف و در شرایط کاملاً متفاوت ببینند و به عمومیت قدرت خدا آشنا شوند و به توانائی او بر اعاده این حیات پی ببرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۳۷/۱۶). در این آیه سه فعل امر «قُل» و «سیروا» و «انظروا» به کار رفته است که فعل نخست در معنای حقیقی و فعل دوم و سوم به ترتیب در معنای ارشاد و هشدار به کار رفته‌اند (الرازی، ۱۴۲۱: ۴۲/۲۵؛ الزمخشری، ۲۰۰۱: ۴۵۳/۳)؛ زیرا خداوند از باب راهنمایی و ارشاد به انسان و به ویژه دانشمندان خطاب می‌کند که در زمین بچرخند و به کیفیت خلقت خداوند پی ببرند (ابن عاشور، ۱۴۱۲: ۲۳۰/۲۰؛ سیدقطب، ۱۹۸۰: ۲۷۳/۵). این آیه برای دانشمندان امروزی، معنی دقیق‌تر و عمیق‌تری می‌تواند ارائه دهد و آن این‌که بروند و آثار موجودات زنده نخستین را که به صورت فسیل‌ها و غیر آن در اعماق دریاها، در دل کوه‌ها و در لابلائی طبقات زمین است ببینند، و به گوشه‌ای از اسرار آغاز حیات در کره زمین و عظمت و قدرت خدا پی ببرند و بدانند که او بر اعاده حیات قادر است.

نمونه دیگر معنای ارشاد گزاره امری در آیه مقابل است که حضرت شعیب (ع) خطاب به قوم خود می‌گوید: *وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْأَخِيرَ وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۳۶)* «و به سوی [مردم] مدین برادرشان شعیب را [فرستادیم] گفت ای قوم من خدا را بپرستید و به روز بازپسین امید داشته باشید و در زمین سر به فساد برمدارید». خداوند در این آیه و آیات پس از این به این نکته اشاره می‌کند که هر گروه ستمگر به نوعی مستوجب مجازات خداوند قرار گرفتند. از شعیب (ع) سخن می‌گوید که مانند سایر پیامبران بزرگ خدا دعوت خود را از اعتقاد به مبدأ و معاد که پایه و اساس هر دین و آئین است آغاز کرد. «ایمان به مبدأ سبب می‌شود که انسان به طور دائم، احساس مراقبت دقیقی از ناحیه پروردگار بر اعمال خود داشته باشد، و ایمان به معاد انسان را به یاد دادگاه عظیمی می‌اندازد که همه چیز بی‌کم‌وکاست در آن مورد بررسی قرار خواهد گرفت» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۴۱/۱۶). حضرت شعیب با به کارگیری دو فعل امر «اعبدوا» و «ارجوا»، دستورات لازم را برای قوم خود ارائه کرده و هدف او از این گزاره‌های امری، ارشاد و راهنمایی افراد قوم اوست (الرازی: ۵۸/۲۵)؛ زیرا آن‌ها دچار فساد و انحراف و ویرانگری شده بودند و نیاز به

مصلحی داشتند تا برنامه‌های سازنده‌ای را ارائه دهد و آن‌ها را هدایت و راهنمایی کند؛ اما آن‌ها به جای این‌که اندرزهای این مصلح بزرگ را به گوش جان بشنوند در مقام مخالفت برآمده او را تکذیب کردند.

۲-۳-۲. تنبیه و هشدار

تنبیه مصدر باب تفعیل از ریشه «ن ب ه» است که ابتدا به معنای بیدار کردن به کار می‌رفته (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۵۴۶/۱۳) و به مرور زمان و طی شرایطی خاص افزون بر کاربرد در معنای بیدار کردن، معانی هوشیار کردن و آگاه کردن پس از غفلت را نیز به خود گرفته است. زیربنای تربیت اسلامی بر گذشت و راهنمایی و نصیحت بنا نهاده شده و آن‌جا که احساس می‌شود افراد غافل را باید اصلاح و تربیت نمود، از هشدار و تنبیه که خود جلوه‌ای از دوستی و محبت برای اصلاح آن‌هاست استفاده می‌شود (النجفی، ۱۴۱۷: ۲۰۲/۳۱).

در قرآن گفتمان‌های مختلفی در قالب امر بین افراد و گروه‌های گوناگون نظیر خدا و پیامبران، پیامبران و مردم و خداوند و ملائکه به تصویر کشیده می‌شود که در قالب هشدار و تنبیه به کار رفته است. این روش علاوه بر این‌که به کلام خدا زیبایی خاصی می‌بخشد، تأثیری شگرف بر روح و جان انسان می‌گذارد، عواطف و احساسات او را برمی‌انگیزد، حس کنجکاو او را ارضا می‌کند و او را به فهم عمیق‌تر مسائل می‌رساند. در سوره عنکبوت ۴ گزاره در معنای هشدار به کار رفته است که اولین مورد آن آیه مقابل است که در آن حضرت ابراهیم (ع) خطاب به قوم خود می‌گوید: *إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (۱۷)* «واقعاً آن‌چه را که شما سوائ خدا می‌پرستید جز بتانی [بیش] نیستند و دروغی برمی‌سازید در حقیقت کسانی را که جز خدا می‌پرستید اختیار روزی شما را در دست ندارند پس روزی را پیش خدا بجوئید و او را بپرستید و وی را سپاس گوئید که به سویی او بازگردانیده می‌شوید». یکی از روش‌های بازدارنده خداوند در قرآن که گاهی با فعل امر صورت می‌پذیرد، بازگو کردن داستان‌های اقوام و مللی است که به علت سرکشی و طغیان و عدم تسلیم در برابر اوامر

الهی به عذاب و عقوبتی سخت مبتلا گشته‌اند. این گونه داستان‌ها و مواعظ می‌توانند محرکی آگاهی‌آور و هشیار کننده باشند و انسان را از خشم الهی ترسانده، از گناه و سرکشی بازدارند. در این آیه ابراهیم (ع) به بطلان بت پرستی می‌پردازد و با چند تعبیر مختلف که هر کدام متضمن دلیلی است، آئین آن‌ها را شدیداً محکوم می‌کند. سه فعل امر «بتغوا» و «عبدوا» و «اشکروا» در این آیه برای هشدار و تنبیه به کار رفته است؛ زیرا ابراهیم (ع) نخست اذعان می‌کند که آن‌ها غیر از خدا بت‌هایی بی‌روح، بی‌اراده و بی‌عقل را می‌پرستند و بعد از این فراتر می‌رود و آن‌ها را متهم می‌کند که می‌دانند از این بت‌ها کاری ساخته نیست؛ اما آن‌ها را عبادت می‌کنند. در ادامه نیز می‌افزاید کسانی را که غیر از خدا می‌پرستند، قادر نیستند به آن‌ها رزق و روزی دهند و تنها خداوند است که روزی‌دهنده است؛ لذا ابراهیم با کاربست فعل امر، قوم خود را هشدار می‌دهد که خداوند را عبادت کنند و شکر او را به جا آورند (ابن‌عاشور: ۲۰/۲۲۶؛ الرازی: ۴۱/۲۵).

در آیه‌ای دیگر از این سوره نیز فعل امر در معنای هشدار و تنبیه به کار رفته است، آن‌جا که خداوند خطاب به انبای بشر می‌گوید: سَبِّرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (۲۰) «در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است سپس [باز] خداست که نشأت آخرت را پدید می‌آورد خداست که بر هر چیزی تواناست». خداوند در این آیه با استفاده از فعل امر «انظروا» مردم را به سیر آفاقی در مسأله معاد دعوت می‌کند و به آن‌ها هشدار می‌دهد که برانگیختن انسان‌ها در روز قیامت برای خداوند بسیار آسان است؛ زیرا او به هر کاری تواناست.

۳-۲. دوام و ثبات

یکی دیگر از کارکردهای گزاره‌ی امری در معناشناسی، برای بیان ثبات و پایداری کنش مربوطه است. نمونه این کارکرد در آیه ۴۵ سوره عنکبوت دیده می‌شود: اَتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ (۴۵) «آن‌چه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان و نماز را برپا دار که نماز از کار ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است و خدا می‌داند چه

می‌کنید». پس از این‌که در آیات قبل از سرگذشت اقوام پیشین و پیامبران بزرگ و برخورد نامطلوب آن‌ها با رهبران الهی سخن به میان آمد، خداوند روی سخن را به پیامبر (ص) کرده و با دو گزاره امری «أتلُّ» و «أقم» به او چنین دستور می‌دهد: آن‌چه را از قرآن به تو وحی شده تلاوت کن؛ زیرا هر چه می‌خواهی در آن است، علم و حکمت، نصیحت و اندرز، معیار شناخت حق و باطل، وسیله نورانیت قلب و جان، و مسیر حرکت هر گروه و هر جمعیت. بعد از بیان این دستور که در حقیقت جنبه آموزشی دارد و به این نکته اشاره می‌کند که تلاوت قرآن توسط پیامبر دائمی و همیشگی بوده است، به دستور دوم می‌پردازد که شاخه اصلی پرورش است. خداوند خطاب به پیامبر می‌گوید: و نماز را بر پا دار؛ زیرا طبیعت نماز از آن‌جا که انسان را به یاد نیرومندترین عامل بازدارنده یعنی اعتقاد به مبدأ و معاد می‌اندازد دارای اثر بازدارندگی از فحشاء و منکر است. خداوند با کاربست گزاره «أقم» که خطاب به پیامبر است قصد دارد مداومت و ثبات در نماز خواندن را به بندگان بیاموزد؛ چراکه مداومت ذکر خداوند در شب و روز که در پرتو نماز حاصل می‌گردد، سبب می‌شود که انسان مولا و مدبر و خالق خود را فراموش نکنند، روح سرکشی و طغیان‌گری بر او غلبه ننماید و همین توجه به خداوند و قیام در برابر او، انسان را از معاصی باز می‌دارد و از انواع فساد جلوگیری می‌کند (مکارم شیرازی: ۲۹۴/۱۶). بیشتر مفسران در تفسیر این آیه اذعان می‌کنند که دو گزاره امری در معنای دوام و ثبات به کار رفته است (ابن‌عاشور: ۲۵۷/۲۰؛ سیدقطب: ۲۷۳۸/۵).

در آیه مقابل نیز خداوند خطاب به پیامبر دستوری را صادر می‌کند که در آن گزاره امری در معنای دوام و ثبات به کار رفته است: وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (۶۳) «و اگر از آنان بپرسی چه کسی از آسمان آبی فرو فرستاده و زمین را پس از مرگش به وسیله آن زنده گردانیده است حتما خواهند گفت الله، بگو ستایش از آن خداست، با این همه بیشترشان نمی‌اندیشند». خداوند با استفاده از گزاره امری «قُل» قصد دارد به پیامبر بیاموزد که حمد و سپاس خداوند همیشگی و دائمی است (المطعنی، ۱۴۲۰: ۲۳۷/۳) و انسان در هر حال باید کسی را ستایش کند که همه نعمت‌ها از ناحیه اوست؛

لذا دایم شکر خدا را بگو که منطق خدایی آن‌قدر زنده و کوبنده است که هیچ‌کس قدرت بر ابطال آن ندارد (مکارم شیرازی: ۳۳۷/۱۶).

۴-۳-۲. تهدید و وعید

«وعد» در لغت به معنای «عهد» است و در اصطلاح عبارت است از تعهد کردن به انجام امری و «وعید» که از وعد گرفته شده خبری است که فقط در وعده شر و تهدید استعمال می‌گردد (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۴۶۱/۳). مهم‌ترین تفاوتی که بین این دو کلمه وجود دارد این است که وعد هم در وعده خیر و هم شر به کار می‌رود؛ اما وعید فقط در وعده شر به کار می‌رود (همان: ۴۶۳/۳). در قرآن واژه وعید در معنای وعده به عذاب و مجازات به کار رفته و انسان‌ها را از تحقق وعیدهای الهی بیم داده و عاقبت کسانی که وعیدهای الهی را جدی گرفته و همچنین عاقبت کفار که وعیدهای الهی را دروغ انگاشتند را یادآوری نموده است. یکی از گروه‌هایی که مخاطب وعیدهای خداوند قرار گرفته کفار می‌باشند؛ چراکه این گروه به عنوان اصلی‌ترین دشمن حق‌جویان به حساب می‌آمدند؛ لذا خداوند برای مقابله با آن‌ها، وعیدهای متفاوتی از جمله وعید عذاب در دنیا و آخرت، به آنها داده است که نمونه آن در سوره عنکبوت و با گزاره امر به چشم می‌خورد، آن‌جا که می‌گوید:

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۶۶) «بگذار تا به آن‌چه به ایشان داده‌ایم انکار آورند و بگذار تا برخوردار شوند زود است که بدانند». در مورد فعل «لیکفروا» و «لیتمتعوا» دو قراءت ثابت است، نخست با کسر لام که در این صورت لام ناصبه فعل مضارع است و فعل را منصوب به حذف نون کرده و دوم لام امر که ساکن است و بر سر فعل مضارع غایب می‌آید و فعل را مجزوم می‌کند (الزمخشری، ۲۰۰۱: ۴۶۸/۳). اگر قراءت دوم این آیه مدنظر باشد در این صورت هر دو گزاره در صیغه امر غایب به کار رفته و چون خطاب به کافران است در این صورت هر دو گزاره امر در معنای تهدید و وعید به کار رفته است (الرازی: ۸۱/۲۵؛ ابن‌عاشور: ۳۳/۲۱). خداوند در این آیه بعد از ذکر این همه استدلال‌ات بر توحید و خداپرستی، مخالفان را با تهدیدی شدید و کوبنده مواجه ساخته است و گرچه ظاهر آیه در این‌جا امر به کفر و انکار آیات الهی است؛ اما بدیهی است منظور از آن تهدید است (مکارم شیرازی: ۳۴۳/۱۶).

۵-۳-۲. اغراق

اغراق در لغت به معنای سفت کشیدن کمان است و در اصطلاح بدیع زیاده‌روی نامعقولی است در توصیف کس یا چیزی (همایی، ۱۳۶۱: ۲۶۲/۱). در اغراق، گوینده با تصرف ذهنی خود، حالت یا صفتی را از وضع طبیعی و عادی که دارد، کوچک‌تر یا بزرگ‌تر جلوه می‌دهد و بدین ترتیب تصویری در ذهن خواننده یا شنونده به وجود می‌آورد (میرصادقی، ۱۳۷۶: ۱۵). ارزش بزرگ‌نمایی یک واقعیت از آنجاست که هر متن، هنر تجسم بخشیدن به عواطف با ابزار زبان است، پس هنگامی که عاطفه‌ای مانند شادی، عشق، نفرت و غیره بسیار شدت و غلیان یافته باشد، بهترین وسیله تجسم بخشیدن به این‌گونه عواطف، یاری گرفتن از اغراق است (وحیدیان کامیار، ۱۳۸۵: ۱۵۷) که در قرآن از این تکنیک به بهترین شکل ممکن استفاده شده است.

در سوره عنکبوت در قالب گزاره امری مفهوم اغراق آمیزی مطرح شده است، آن‌جا که خداوند می‌گوید: وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (۱۲) «و کسانی که کافر شده‌اند به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند راه ما را پیروی کنید و گناهانتان به گردن ما و [الی] چیزی از گناهانشان را به گردن نخواهند گرفت قطعا آنان دروغ‌گویند». در این آیه به منطق سست و پوچ مشرکان که هم اکنون نیز در میان قشر وسیعی وجود دارد اشاره می‌کند که کافران از اهل ایمان می‌خواهند از آیین آن‌ها پیروی کنند و اگر به زعم آن‌ها مرتکب گناهی شدند، کافران گناه مؤمنان را به دوش می‌کشند. خداوند با کاربست گزاره امری «اتبعوا» و «ولنحمل» از زبان کافران، پیروی از شیوه آن‌ها را اغراق‌آمیز جلوه می‌دهد تا با این کار راه و تفکر گمراهان را با اغراق بیشتری باطل و پوشالی تعبیر نماید.

۶-۳-۲. مشورت

گاه در قرآن، گزاره‌های امری در معنای مشورت و رایزنی به کار می‌رود که نمونه این کارکرد در آیه ۲۴ سوره عنکبوت دیده می‌شود. آن‌جا که قوم ابراهیم (ع) با یکدیگر مشورت کردند که با او چه کنند و در نهایت برخی گفتند او را بکشند و برخی دیگر گفتند که او را در آتش بیندازند. فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنْجَاهُ

اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۲۴) «و پاسخ قومش جز این نبود که گفتند بکشیدش یا بسوزانیدش ولی خدا او را از آتش نجات بخشید آری در این [نجات بخشی خدا] برای مردمی که ایمان دارند قطعاً دلیلی است». قوم ابراهیم در برابر دعوت توحیدی وی پاسخ منطقی نداشتند؛ لذا مانند همه زورمندان قلدر بی‌منطق تکیه بر قدرت شیطانیشان کردند و فرمان قتل او را صادر نمودند. گروهی طرفدار سوزاندن ابراهیم بودند در حالی که گروهی دیگر اعدام او را به وسیله شمشیر و امثال آن پیشنهاد می‌کردند سرانجام گروه اول پیروز شدند چون معتقد بودند بدترین نوع اعدام همان سوزاندن با آتش است (مکارم شیرازی: ۱۶ / ۲۴۴). دو گزاره «اقتلوا» و «حرقوا» این احتمال را تقویت می‌کند که همه آن‌ها با هم مشورت کردند و نخست به اعدام او با وسائل معمولی می‌اندیشیدند و حکم قتل او را صادر کردند؛ ولی بعداً همگی اتفاق بر این کردند که او را آتش بزنند و حداکثر شدت عمل را به خرج دهند؛ لذا دو گزاره امری در معنای مشورت به کار رفته است (الزمخشری: ۳ / ۴۵۴؛ الرازی: ۲۵ / ۴۶).

۷-۳-۲. عاجز شمردن

یکی دیگر از معانی گزاره امری، عاجز دانستن مخاطب است. این کارکرد در قرآن بارها به کار رفته است و نمونه آن در سوره عنکبوت دیده می‌شود. آن‌جا که گفتگویی بین لوط (ع) و قومش برقرار شد: اُنْكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي نَادِيَكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (۲۹) «آیا شما با مردها درمی‌آمیزید و راه [توالد و تناسل] را قطع می‌کنید و در محافل [انس] خود پلیدکاری می‌کنید و [لی] پاسخ قومش جز این نبود که گفتند اگر راست می‌گویی عذاب خدا را برای ما بیاور».

قوم لوط مرتکب عمل فاحشه لواط بودند و این قوم اولین اقوام بشر بودند که این عمل در بینشان شایع گشت و شیوع آن به حدی رسیده بود که در مجالس عمومی‌شان آن را مرتکب می‌شدند تا آن‌که رفته‌رفته این عمل فاحشه، سنت قومی آنان شد و همه بدان مبتلا گشته، زنان به کلی متروک شدند و راه تناسل را بستند؛ لذا خدای تعالی لوط را به سوی ایشان گسیل داشت. لوط قوم خود را به ترس از خدا و ترک فحشاء و برگشتن به طریق فطرت دعوت کرد و انذار و تهدیدشان نمود؛ ولی جز بیشتر شدن

سرکشی و طغیان آنان ثمره‌ای حاصل نگشت و جز این پاسخش ندادند که اینقدر ما را تهدید مکن اگر راست می‌گویی عذاب خدا را بیاور. در این جا گزاره امر «ائتنا» که خطاب به لوط است در حقیقت برای عاجز دانستن لوط و خدای لوط از عذاب الهی است؛ زیرا آن‌ها این قدر در لهو و لعب و سرکشی غرق بودند که همه چیز را به سخره می‌گرفتند و خدای لوط را از انجام تصمیمات بشری عاجز می‌دانستند (سید قطب: ۲۷۳۳/۵؛ ابن‌عاشور: ۲۴۱/۲۰). این تعبیر قوم گمراه نشان می‌دهد که آنها می‌خواستند از عدم نزول عذاب نتیجه‌گیری کنند که لوط دروغ‌گوست و خدای او از آوردن عذاب بر قومش عاجز و ناتوان است؛ لذا سرکشی این قوم تا آن جا ادامه یافت که به یکدیگر گفتند: خاندان لوط را از قریه خود خارج کنید که آن‌ها مردمی هستند که می‌خواهند از عمل لواط پاک باشند. جریان به همین منوال ادامه یافت تا این که خداوند عذاب خود را بر آن‌ها نازل کرد و آن‌ها را مایه پند و عبرت دیگران قرار داد (مکارم شیرازی: ۱۶/۲۵۵).

۸-۳-۲. اهانت

اهانت در لغت یعنی خوار کردن و در اصطلاح عبارت است از تحقیر کردن کسی یا چیزی با گفتار یا کردار خود (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۲۳۴/۲). در قرآن اسلوب‌های متعددی برای بیان تحقیر و اهانت افراد و اشیاء به کار رفته که یکی از آن‌ها گزاره امری است. نمونه این کارکرد در آیه ۵۵ سوره عنکبوت دیده می‌شود، آن جا که خداوند خطاب به دوزخیان می‌گوید: *يَوْمَ يَعْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۵۵)* «آن روز که عذاب از بالای [سر] آن‌ها و از زیر پاهایشان آن‌ها را فرو گیرد و [خدا] می‌فرماید [نتیجه] آنچه را می‌کردید بچشید». این آیه ممکن است توضیحی برای احاطه عذاب جهنم در قیامت نسبت به کفار باشد و ممکن است بیانی مستقل برای عذاب دردناک آنان محسوب گردد که امروز بر اثر اعمالشان آن‌ها را احاطه کرده و فردا آشکار می‌شود (مکارم شیرازی: ۳۲۳/۱۶). فعل «ذوقوا» که ظاهراً از زبان خداوند نقل می‌شود علاوه بر این که یک نوع مجازات روانی برای این‌گونه اشخاص است بیان‌گر این واقعیت می‌باشد که عذاب الهی چیزی جز بازتاب و انعکاس اعمال خود انسان در زندگی آخرت نیست؛ بنابراین کسانی که به خواست خود گناه کرده و بر گناه

خود اصرار می‌ورزند جزو معاندین شمرده می‌شوند و چنین کسانی باید که مسخره شوند و به شکلی اهانت‌آمیز آن‌ها را به عذاب دوزخ وعده داد (الرازی: ۷۳/۲۵؛ سید قطب: ۲۷۴۸/۵).

۳- نتیجه‌گیری

در سوره عنکبوت ۲۴ گزاره امری به کار رفته است که همه آن‌ها از شاکله‌های مهم در کنشگری گزاره‌های زبانی این سوره است و نقش مهمی در بلاغت و تأثیر کنشی و بیرونی گزاره‌های زبانی آن دارد. از میان این گزاره‌ها، ۶ گزاره در معنای حقیقی و ۱۹ گزاره دیگر در معنای ثانوی به کار رفته است که با تحلیل آن‌ها بر پایه نظریه منظورشناسی نتایج زیر به دست آمد:

- گزاره‌های امری این سوره به ترتیب در نقش‌های منظوری ارشاد (۵گزاره)، هشدار (۴گزاره)، دوام (۲گزاره)، تهدید (۲گزاره)، اغراق (۲گزاره)، مشورت (۲گزاره)، ناتوان شمردن (۱گزاره) و اهانت (۱گزاره) به کار رفته است. علت کاربست گزاره‌های امری، در این شکل و ترتیب، این است که از آن‌جا که بیشتر مخاطبین این گزاره‌ها، مخالفین و اهل باطل می‌باشد؛ لذا منطق اهل حق چنین حکم می‌کند که نخست گمراهان را ارشاد و راهنمایی کرد و اگر به مخالفت خود ادامه دادند آن‌ها را از خشم خداوند هشدار داد و اگر بر عناد و سرکشی خود اصرار داشته، با لحنی اغراق‌آمیز، آن‌ها را به عذاب خداوند وعده داد و همچنین تمامی نیرو و قدرتش را ضعیف و ناچیز شمرد و اهانت آن‌ها را به خودشان بازگرداند.

- گزاره‌های امری که در معنای ارشاد به کار رفته است از نوع ارشاد عامه است؛ زیرا خداوند خیرخواه تمام بشر است و می‌خواهد راه خیر و سعادت را در مسیر زندگی همه انسان‌ها -چه مؤمن و چه کافر- مشخص نماید.

- گزاره‌های امری که برای هشدار به کار رفته است بیشتر با هدف برانگیختن عواطف و احساسات مخاطب به کار می‌رود تا شاید مخاطب این نوع گزاره -اهل باطل- از سرکشی و عناد دست کشد و به راه راست رهنمون گردد.

- مخاطب گزاره‌های امری با معنای دوام و ثبات، پیامبر (ص) است و این نوع گزاره بر محور عبادت و شکرگذاری بنا نهاده شده است. خداوند با دستور دادن به پیامبر (ص) در حقیقت امت او را مورد خطاب قرار داده و یکی از وظیفه‌های مهم آن‌ها را استمرار و ثبات در عبادت و شکرگذاری می‌داند.

- گزاره‌هایی که در معنای وعید و اهانت و تعجیز به کار رفته است خطاب به گمراهانی است که مغرضانه و با تعقل اقدام به آزار و اذیت اهل ایمان کرده و هیچ‌گاه از سرکشی خود دست نکشیدند؛ لذا از جانب خداوند مورد اهانت قرار می‌گیرند و زمانی که در آتش دوزخ قرار می‌گیرند با تمسخر و ریشخند به آن‌ها خطاب می‌شود که اینک عملکرد دنیوی خود را خواهید چشید.

منابع و مأخذ

الف) منابع عربی

۱. ابن الأثیر، أبو الفتح (۱۹۳۹م). **المثل السائر فی أدب الکاتب والشاعر**. ط ۳. القاهرة: دارالعلم.
۲. ابن زکریا، أحمد (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**. ط ۵. القاهرة: مکتب الإعلام الإسلامی.
۳. ابن عاشور، طاهر (۱۴۱۲ق). **التحریر والتنویر**. ط ۲. تونس: دار سحنون.
۴. ابن منظور (۱۴۰۸ق). **لسان العرب**. تحقیق: شیری، علی. ط ۴. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۵. أبو العدوس، یوسف (۱۴۲۷ق). **الأسلوبیة الرؤیة والتطبیق**. ط ۳. عمان: دارالمسیرة.
۶. التفتازانی، سعدالدين (۱۴۱۲ق). **مختصر المعانی**. ط ۲. قم: درالفکر.
۷. الرازی، أبو الفتح (۱۴۲۱ق). **التفسیر الکبیر**. ط ۱. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۸. الزمخشری، أبو القاسم (۲۰۰۱م). **الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التنزیل**. ط ۲. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۹. زیدان، جرجی (۱۸۸۶م). **العربیة والفلسفة اللغویة**. ط ۳. بیروت: مطبعة القدیس.
۱۰. الزیدی، کاصد یاسر (۱۹۸۷م). **فقه اللغة العربیة**. ط ۱. جامعة موصل: دارالکتب.
۱۱. السکاکی، أبو یعقوب (۱۴۰۷ق). **مفتاح العلوم**. تعلیق: زرزور، نعیم. ط ۳. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۲. سید قطب (۱۹۸۰م). **فی ظلال القرآن**. ط ۹. القاهرة: دارالشروق.
۱۳. الطریحی، فخرالدين (۱۳۶۷ش). **مجمع البحرین**. ط ۸. طهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. العسکری، أبو هلال (۱۹۵۲م). **الصناعتین**. ط ۱. القاهرة: دار إحياء التراث العربیة.
۱۵. العلوی، یحیی بن حمزة (۱۴۱۸ق). **الطراز**. ط ۳. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۶. المطعنی، عبدالعظیم إبراهیم (۱۴۲۰ق). **التفسیر البلاغی لةستفهام فی القرآن الحکیم**. ط ۱. القاهرة: مکتبة وهبة.
۱۷. النجفی، محمد حسن (۱۴۱۷ق). **جواهر الکلام فی شرح شرائع اةسلام**. ط ۳. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۸. الهاشمی، أحمد (۱۴۲۵ق). **جواهر البلاغة فی المعانی والبیان والبديع**. ط ۲. طهران: سرور.

ب) منابع فارسی

۱۹. ابوزهره، محمد (۱۳۷۰ش). **المعجزة الكبرى**. ترجمه: ذبیحی، محمد. ج ۱. تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۲۰. پالمیر، فرانک (۱۳۸۵ش). **نگاهی تازه به معناشناختی**. ترجمه: صفوی، کوروش. ج ۴. تهران: مرکز.
۲۱. خانلری، پرویز (۱۳۸۰ش). **دستور زبان فارسی**. ج ۱۸. تهران: توس.

۲۲. رجائی، محمد خلیل (۱۳۷۹ش). **معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع**. چ ۵. شیراز: دانشگاه شیراز.
۲۳. رحیمیان، جلال؛ شگری احمدآبادی، کاظم (۱۳۸۱ش). «نقش‌های معنایی - منظوری جملات پرسشی در غزلیات حافظ». **مجله علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه شیراز**. دوره ۱۸، ش ۱. صص ۱۷-۳۴.
۲۴. شمیسا، سیروس (۱۳۸۳ش). **بیان و معانی**. چ ۳. تهران: فردوس.
۲۵. _____ (۱۳۷۳ش). **معانی**. چ ۲. تهران: میترا.
۲۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش). **تفسیر المیزان**. ترجمه: موسوی همدانی، محمد باقر. قم: دفتر نشر حوزه.
۲۷. علوی‌مقدم، محمد؛ اشرف‌زاده، رضا (۱۳۸۱ش). **معانی و بیان**. چ ۳. تهران: سمت.
۲۸. _____ (۱۳۶۴ش). **جلوة جمال**. چ ۱. تهران: بنیاد قرآن.
۲۹. فرشیدور، خسرو (۱۳۸۴ش). **دستور مفصل امروز بر پایه زبان‌شناسی جدید**. چ ۲. تهران: سخن.
۳۰. قرشی، علی‌اکبر (۱۳۵۲ش). **قاموس قرآن**. چ ۳. بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. مدرسی، محمد تقی (۱۳۷۷ش). **تفسیر هدایت**. چ ۲. تهران: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش). **تفسیر نمونه**. چ ۳. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. میرصادقی، میمنت (۱۳۷۶ش). **واژه‌نامه هنر شاعری**. چ ۲. تهران: کتاب مهنار.
۳۴. نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ق). **تفسیر آسان**. چ ۱. تهران: اسلامیه.
۳۵. وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۵ش). **بدیع از دیدگاه زیبایی‌شناسی**. چ ۲. تهران: سمت.
۳۶. همایی، جلال‌الدین (۱۳۶۱ش). **فنون بلاغت و صناعات ادبی**. چ ۲. تهران: توس.
۳۷. یارمحمدی، لطف الله (۱۳۷۷ش). «مقابله منظورشناختی در زبان‌های انگلیسی و فارسی». **نشریه دانشکده ادبیات باهنر کرمان**. سال ۲. شماره ۳. صص ۶۷-۸۹.
۳۸. Layouns, John (۱۹۹۰). **Language and linguistics**. Cammbridge: Cambridge University press.

